

انگلستان، کینگز کراس، لندن، EC2A 4PU  
020 7546 4141  
www.dhammadownload.com

# راینر ماریا ریلکه

## دفترهای مالده لائوریس بریگه

انگلستان، کینگز کراس، لندن، EC2A 4PU  
020 7546 4141  
www.dhammadownload.com

ترجمه

مهدی غبرائی



www.dhammadownload.com

www.dhammadownload.com



انتشارات نیلوفر

## یادداشت مترجم

رایتر ماریا ریلکه به سال ۱۸۷۵ در پراگ زاده شد. پدرش افسر ارتش بود و مادرش سخت پابند مذهب. ابتدا او را به اجبار به مدرسه نظام فرستادند. پس از آن مدتی به دلخواه خود در پراگ، مونیخ و برلین دنبال مطالعه فلسفه و ادبیات و هنر رفت. از نوجوانی شعر می‌گفت. در دهه ۱۸۹۰ Erste (نخستین) و سپس Frühe Gedichte (شعرهای اولیه)، داستان‌های کوتاه و نمایشنامه‌ها را منتشر کرد. بعدها حاضر شد بیشتر آثار اولیه‌اش را در مجموعه آثارش انتشار دهد. در ۱۸۹۹ به نخستین سفر از دو سفر به روسیه همراه لو آندره آس سالومه دست زد. حاصل آن Vom Lieben Gott und Anderes (از خدای مهربان و دیگران) بود که کمی بعد Lieben Gott (حکایت‌هایی از خدای مهربان) نام گرفت و در ۱۹۰۰ منتشر شد.

در ۱۹۰۱ با کلارا وستهوف وصلت کرد و تا تولد نخستین فرزندشان، روت، در وُرپزوده [شهرکی بین هامبورگ و بره‌مین، اقامتگاه شاعران و هنرمندان زمانه] ماند. سپس در ۱۹۰۲ با هم به پاریس رفتند تا کلارا بارودن [تندیس‌ساز نامی] کار کند و ریلکه زندگینامه او را بنویسد. از

میان سفرهایش به آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، مصر، اسکانندیناوی، و نامه‌نگاری‌های پرحجمش، دوازده سال اقامت در پاریس سال‌هایی بسیار بارآور بود: Stundenbuch (کتاب ساعات)، Buch der Bilder (کتاب تصاویر)، Neue Gedichte (شعرهای نو)، دفترهای مالد... [کتاب حاضر]، ترجمه آثار الیزابت بارت براونینگ، ژید، دوگرن.

پس از آغاز جنگ جهانی اول بیشتر در مونیخ به سر برد، مدت کوتاهی در وین در ارتش به کار دفتری پرداخت و در ۱۹۱۹ به سویس رفت. در اینجا در برج سنگی کوچک موزو در Duineser Elegien (سوگ‌سرودهای دوینو) و Sonette an Orpheus (غزل‌های اورفئوس) را سرود و به دنبال آن اشعاری به زبان فرانسه گفت و آثار والری، مالارمه، و دیگران را ترجمه کرد. ریلکه در ۲۹ دسامبر ۱۹۲۶ در والموننت، نزدیک گلیون از دنیا رفت و کنار کلیسای کوچک رارون، مشرف به درهٔ رون به خاک سپرده شد.

دفترهای مالد لائوریس بریگه در میان آثار منشور راینر ماریا ریلکه، به قولی پس از گوته و هاینه مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شاعر آلمان و از شاعران نخبهٔ دنیا، از اهمیت خاصی برخوردار است. در کمتر مجموعه یا گزیدهٔ اشعار یا ترجمه‌های گوناگون از آثار او ست که نامی از این دفتر نبرند یا قسمتی را نقل نکنند، زیرا عصاره و چکیدهٔ بینش او دربارهٔ شعر و شاعری، تئاتر و موسیقی، مرگ و زندگی و خلاصه همهٔ جلوه‌های هستی، که در کتاب‌های شعر و نثر او دیده می‌شود، در این کتاب به اختصار و فشردگی تمام آمده است. دربارهٔ شباهت فضا و بعضی قسمت‌های این کتاب با بوف کور در جای دیگری نوشته‌ام و اشاره کرده‌ام. منابع

فارسی نیز دربارهٔ تأثیر ریلکه و به ویژه کتاب حاضر بر صادق هدایت موجود است.

شاید این پرسش پیش آید که در سال‌های بحرانی نوشتن این کتاب، یعنی بین ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۰ (تحولات امپراتوری هابسبورگ، جنگ ۱۹۰۴-۵ روس و ژاپن، انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، با توجه به اینکه ریلکه به روسیه سفر کرد و با تالستوی و تورگنیف و دیگران نشست و برخاست داشت) و دنیایی که آستان جنگ جهانی اول بود، چگونه ریلکه به ظاهر فارغ از اوضاع سیاسی زمان خود است، اما با اندک توجه می‌توان دریافت که (گذشته از روحیهٔ کناره‌جوی ریلکه) شاید گفت‌وگو از مرگ و تباهی و ویرانی و زوال آگاهانه و ناآگاهانه بازتاب همان وضع است و نشان از جهانی می‌دهد که در آستانهٔ ویرانی نظم کهن و تغییر و تحولی عظیم است.

\* \* \*

تعی دانم این را می‌توان به پای ملعنت تبار آدمی نوشت یا رحمت او، که از شعور و اندیشه (وجه ممیزه‌اش با سایر جانوران) برخوردار است. همین شعور و وجوه گوناگون آن، تجسم حال و آینده، است که او را از موقعیت و جایگاه خود، و بالاتر از آن از مرگ خود آگاه ساخته است. و شاعر، آگاه‌ترین موجودات است و از میان ایشان - دست کم برخی - به وسوسهٔ مرگ گرفتار می‌آیند و نگاهشان هستی‌شناسانه (ontologic) است؛ یعنی به همان پرسش‌های جاودانی و ازلی گیلگمش می‌رسند که هستی و نیستی (یا مرگ و زندگی) چیست و جایگاه ما در آن کجاست؟ از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم؟ بهر چه آمده‌ایم و چرا می‌رویم و... ریلکه از این قماش شاعران است که به هیچ چیز با چشم عادی نمی‌نگرد. به قول خودش: «دیدن را یاد می‌گیرم...» و هرچه برایش کشفی است تازه و دردبار...